بررسی ارتباط بین عوامل اجتماعی با نابرابری‌های اجتماعی

رسول ربانی*، صمد کلانتری**، علی هاشمیان‌فر***

طرح مسئله: *نابرابری‌های اجتماعی و استمرار فاصلهٔ طبقاتی یکی از معضلات جوامع بشری است، چنان چه فاصلهٔ طبقاتی همراه با بی‌عدالتی، استمرار و عمق نابرابری‌ها را به صورت یک مسئله مزمن و مهم اجتماعی در می‌آورد. برای تبیین موضوع، این مطالعه به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری‌های اجتماعی از منظری جدید، سرمایهٔ اجتماعی را به عنوان متغیر مستقل در کنار دیگر عوامل مطرح کرده است.*

روش: *مقاله و تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک مطالعهٔ پیمایشی، هم چنین یک تحقیق تبیینی است. جامعهٔ آماری بررسی حاضر کلیهٔ شهروندان ۱۵ ساله و بالاتر ساکن شهر اصفهان در زمان مطالعه بوده و حجم نمونهٔ آن۶۹۶ نفر می‌باشد. اطلاعات موردنیاز با ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته‌اند. برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون چندمتغیره و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است.*

یافته‌ها: *یافته‌های به دست آمده در مجموع حاکی از حد متوسط بودن نابرابری اجتماعی در بین کل پاسخ‌گویان(۲/۷)و متوسط بودن سرمایهٔ اجتماعی در بین آن‌ها (۲/۹) می‌باشد.*

نتایج: *نتایج حاصل ازپژوهش نشان می‌دهد که برحسب ارزش بتا (Beta) به ترتیب متغیرهای تجمل‌گرایی، سن، تحصیلات، عقلانیت، تبلیغات و ارضاء نیاز در تبیین نابرابری اجتماعی مؤثرند.همچنین نتایج بیان‌گر آنست که هر چه سرمایهٔ اجتماعی بالاتر باشد، نابرابری اجتماعی کاهش خواهد یافت.*

کلید واژه‌ها: اعتماداجتماعی، برابری، سرمایهٔ اجتماعی، شبکهٔ روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی، نابرابری اجتماعی

تاریخ دریافت: ۸۷/۰۲/۰۹ ***تاریخ پذیرش:*** ۸۹/۰۶/۰۱

* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه اصفهان

** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه اصفهان

*** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، اصفهان <seyedalihashemian@yahoo.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مقدمه و طرح مسئله

نابرابری یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی جوامع انسانی است. تمایزهای فردی از قبیل توانایی‌های ذاتی، انگیزشی و تمایلات گوناگون افراد و تفاوت‌های اجتماعی از جمله متفاوت بودن شیوه زندگی، حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازهایی که جامعه برای افراد قائل می‌شود و به صورتی نهادی درمی‌آیند، موجب بروز نابرابری‌اند. در تمامی اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی بر اهمیت برابری به منزلهٔ یک حق تأکید می‌شود، هرچند چنین تأکیدی به دلیل فقدان ضمانت اجرایی، کاربرد چندانی ندارد. بر این اساس، برخلاف آرمان‌ها و آرزوهای مکاتب و اندیشه‌های برابری خواه، نابرابری همواره واقعیتی آزار دهنده بوده است به ویژه هنگامی‌که نابرابری با کاهش قدرت خرید مردم همراه باشد، کلیت نظام اجتماعی را به چالش می‌گیرد و خطر شورش‌ها، بحران‌ها و اضمحلال نظام را در بردارد و این در حالی است که همهٔ فرهنگ‌ها درصدد توجیه، مشروع‌سازی و یا دست کم تبیین هنجاری آن برآمده‌اند. از دسته عواملی که در جهت توجیه و مشروع‌سازی نابرابری‌ها بر آمده است نگرش افراد جامعه و ذهنیت آن‌ها نسبت به امکانات و امتیازات و فرصت‌هایی است که عده‌ای باید دارا باشند و عده‌ای حقی نسبت به آن‌ها ندارند.با وجود دیدگاه‌های گوناگون ارائه شده توسط اندیشمندان در این زمینه، این تحقیق به گونه‌ای متفاوت به نابرابری‌های اجتماعی پرداخته است.در واقع رفتارهای اجتماعی انسان‌ها که ایجاد کنندهٔ نابرابری‌هاست موردتوجه قرارگرفته است و از همین رهگذر مفهوم سرمایهٔ اجتماعی در کنار سرمایهٔ اقتصادی و سرمایهٔ انسانی برای تبیین نابرابری‌های اجتماعی مطرح گردیده است. مفهومی که شامل نهادها، شبکهٔ روابط، نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که تعاملات مردم را هدایت می‌کند (توسلی، ۱۳۷۴). به عبارت دیگر سرمایهٔ اجتماعی یک شاخص ترکیبی است که شامل: میزان اعتماد فرد به دیگران، میزان تعامل اجتماعی فرد، میزان مشارکت اجتماعی فرد، میزان رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی فرد در یک گروه، سازمان و یا جامعه می‌باشد. در این راستا شناسایی و تقویت سرمایهٔ اجتماعی سبب

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

افزایش سطح همکاری اعضاء در گروه‌های اجتماعی و جامعه می‌شود و از این طریق منجر به افزایش سطح ارتباطات، نظارت و کنترل در سطح نهادهای عمومی اجتماعی می‌گردد، درنتیجه فاصلهٔ اجتماعی کاهش یافته و روابط افقی زیادگشته، از نابرابری در توزیع فرصت‌ها می‌کاهد. هم‌چنین افزایش سرمایهٔ اجتماعی باعث هدایت بهتر مدیران در ادارهٔ سیستم‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مختلف به ویژه نهادهای اجتماعی و فرهنگی شده وعامل تقلیل سیاست‌گذاری‌های نابرابرانه می‌گردد. از طرف دیگر با توجه به شعار عدالت محوری و حذف نابرابری‌های اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های دولت حتی اگر از بین دو نوع سیستم اقتصادی اقتصاد بازار و اقتصاد عدالت محور، به سمت اقتصاد بازار هم برویم تا پس از یک دوره محرومیت از توزیع عادلانه و افزایش درآمد کلی ملی بر اساس قاعدهٔ اثرات پایین رونده[1]، عدالت در جامعه برقرار شود، موفقیت این فرآیند در گرو افزایش سرمایهٔ اجتماعی و عناصر کلیدی آن است تا طبقهٔ بالای جامعه ترغیب و تشویق به تعامل اجتماعی بیش‌تر با طبقهٔ پایین جامعه شده و خودشان به کاهش نابرابری‌های مبادرت ورزند. با توجه به آمارهای موجود نابرابری‌ها در کشور فزونی یافته است در واقع افزایش رشد اقتصادی در سال‌های اخیر همراه با توزیع متوازن نبوده است .اعداد و ارقام نیز وجود نابرابری در جامعه را تأیید می‌کنند، به طوری که براساس گزارش سازمان توسعهٔ و عمران ملل متحد نیمی از مصرف در اختیار ۲۰٪ جمعیت ایران است. بدین معنا که مصرف دو دهک بالای درآمدی کشور معادل هشت دهک دیگر است. با مراجعه به آمار ضریب جینی هم به عنوان یکی از شاخص‌های تحلیل توزیع درآمد همین نتایج به دست می‌آید. این ضریب که شرایط کلی توزیع را نشان می‌دهد، هرچه به یک نزدیک‌تر شود، نشان دهنده نابرابری بیش‌تر است. به هر روی آمارهای مختلف افزایش نابرابری درکشور را تأیید می‌کند به گونه‌ای که ضریب جینی درسال ۱۳۵۶ در بدترین حالت یعنی ۵۱٪ بوده و در سال‌های پس از انقلاب از ۴۳٪ پایین‌تر نرفته است و این اصلاً رضایت بخش نبوده و

1- trickle - down effect

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

پیامدهای منفی همچون نابهنجاری‌های اجتماعی را به همراه دارد (مهاجری، ۱۳۸۴)و اما با توجه به همین شاخص‌های ارائه شده توسط مرکز آمار ایران شهر اصفهان با داشتن ضریب جینی ۰/۶ در مقایسه با بسیاری از شهرهای ایران مانند کرمان، ایلام، گیلان، مازندران و... در مقایسه با دههٔ پنجاه که ضریب جینی این شهر برابر ۰/۳۶ است و نسبت به کل کشور که این ضریب برابر ۰/۴۶ می‌باشد از سطح نابرابری بیش‌تری برخوردار است و عدم بررسی و رسیدگی به آن نابهنجاری‌های شدیدتری را به دنبال خواهد داشت. لذا بررسی نابرابری اجتماعی در شهر اصفهان و سهم عوامل مختلف در ایجاد آن از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود. این تحقیق با توجه به جنبهٔ شناختی سرمایهٔ اجتماعی که معطوف به مشارکت در هنجارها، ارزش‌ها، اعتماد و باورهاست درصدد بررسی نوع ارتباط بین نابرابری‌های اجتماعی و سرمایهٔ اجتماعی در کنار عوامل دیگر است.بنابراین تحقیق حاضر به تبیین وجود نابرابری اجتماعی موجود در شهر اصفهان و به واکاوی علل چنین پدیده‌ای با تأکید بر سرمایهٔ اجتماعی پرداخته است .در واقع این تحقیق درصدد آن است که پس از سنجش میزان نابرابری اجتماعی و تعیین عمده‌ترین بخش‌های نابرابریهای اجتماعی در شهر اصفهان به بخش نرم‌افزاری کاهش نابرابری‌های اجتماعی یعنی تقویت سرمایهٔ اجتماعی بپردازد و از این طریق افق جدیدی در جهت ایجاد برابری‌های اجتماعی در پویش‌های اجتماعی باز نماید.بر این اساس تعیین میزان نابرابری‌های اجتماعی، شناخت عمده‌ترین حوزه‌های نابرابری‌های اجتماعی، بررسی سهم عوامل مختلف در ایجاد نابرابری‌های اجتماعی، آگاهی یافتن از میزان سرمایهٔ اجتماعی و مقایسهٔ آن با تحقیقات قبلی، بیان مکانیسم تأثیرگذاری سرمایهٔ اجتماعی بر نابرابری‌های اجتماعی، و تبیین رابطهٔ بین سرمایهٔ اجتماعی و ابعاد آن در کاهش نابرابری‌های اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان می‌تواند از اهداف این تحقیق به شمار آید.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

چارچوب نظری تحقیق

با وجود آن که برابری اقتصادی و اجتماعی و کاهش فاصلهٔ طبقاتی، یکی از ارزش‌های اصلی و مرکزی نظام‌های مردم سالار است، اما ساخت اجتماعی به گونه‌ای است که نابرابری‌ها به صورت میراث گذشته از نسلی به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود. چنان چه تحقیقات انجام شده در این زمینه نیز حاکی از یک رابطهٔ متقابل میان بهره‌وری و برابری است و نتیجهٔ آن بیان‌گر آنست که توزیع مجدد تحت بسیاری از شرایط، نه تنها رشد نابرابری را متوقف نمی‌سازد بلکه آن را تقویت می‌کند(تیلی، ۲۰۰۴، تیلی وآلبلدا، ۱۹۹۵). به علاوه منزلت‌های اجتماعی و برخورداری از مزایای سیاسی و امکانات دیگر اقتصادی ناشی از کل جامعه(و دولت) بازهم به صورت نابرابر بین گروه‌ها ونسل‌های مختلف توزیع می‌شود و می‌توان گفت فواصل اجتماعی همراه با بی‌عدالتی، استمرار و عمق نابرابری‌ها را به صورت یک مسئلهٔ مزمن و مهم اجتماعی درمی آورد. دیدگاه‌های ارائه شده در این راستارا می‌توان در یک طبقه‌بندی کلی به سه دستهٔ کارکردی، تضادی و تلفیقی تقسیم نمود:

الف) دیدگاه‌های جامعه شناسانی چون دورکیم، پارسونز، سامنر، پارتو، دیویس و مور... که با رویکرد کارکردگرایی به نابرا بری پرداخته‌اند.

ب) جامعه شناسانی همچون مارکس، دارند ورف، اندیشمندان مکتب فرانکفورت و... رویکردی تضادگرایانه به نابرابری دارند.

ج) و اما جامعه شناسانی مانند ماکس وبر، لنسکی، گیدنز و... نگاهی تلفیقی به نابرابری دارند.

نابرابری اجتماعی از دیدگاه کارکردگرایان

دورکیم معتقد بود که می‌توان به هدف همبستگی اجتماعی براساس اخلاقیات و عدالت دست یافت مشروط بر این‌که تقسیم کار سرمایه‌داری اصلاح شود و از آن آنومی و تضاد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

طبقاتی و نابرابری اجباری رها گردد. دورکیم پیش بینی می‌کرد که تکامل طبیعی تقسیم کار، موارد نابهنجار را تقلیل خواهد داد. به عقیدهٔ وی افزایش تقسیم کار در جوامع سنتی فئودالی و کاستی منجر به بهبود مشکلات مشابهی شده است. تقسیم کار و نیاز آن به مهارت‌های خاص، منجر به از بین بردن تعصب‌هایی شده است که بر اساس آن در زمان‌های قدیم افراد صرفاً به دلیل تبار اشرافی یا برتری دینی در مقام‌های بالا نشانده می‌شدند.به طور مشابه، «استعدادهای ویژه‌ای» که برای اشغال پایگاه‌های مهم در جامعهٔ سرمایه‌داری ضرورت دارد، این امر را به طور فزایند ای دشوار می‌سازد که پایگاه‌ها فقط بر اساس امتیاز طبقاتی ارثی اشغال گردند، البته به طور قطع هنوز توارث تا اندازه‌ای رواج دارد و فرصت‌های آن عدهٔ لایق را که با «بخت بد» زاده شده‌اند محدود می‌سازد.با وجود این، عموم مردم به طور فزاینده‌ای معتقدند که این نابرابری‌های برونی باید ریشه کن شوند. مردم اعتقاد پیدا کرده‌اند که نابرابری نباید ناشی از نیروهای بیرونی باشد و باید تفاوت، شایستگی‌های فردی، استعدادها و تلاش‌های فرد برای خدمت به جامعه را منعکس کند. اعتقاد به برابری برونی، یعنی آن چه را که می‌توان فرصت برابر نامید، آنقدر رایج است که «نمی تواند توهمی صرف باشد و به طرز گیج کننده‌ای جنبه‌ای از واقعیت را بیان کند» (دورکیم، ۱۳۶۹).

پارسونز قشربندی را به عنوان رده‌بندی واحدها برحسب معیارهای نظام ارزش‌های مشترک در یک نظام اجتماعی می‌داند. لذا هر نظام قشربندی، تعبیری از ارزش‌های اصلی جامعه است که به نوبهٔ خود سلسله مراتبی از موقعیت‌ها، پاداش‌ها، افراد و هر چیز دیگر را براساس پایه‌های ارزشیابی خاص خود ایجاد می‌کند. قشربندی نتیجهٔ فوری اجتناب ناپذیر کنش اجتماعی است. نیروهای اجتماعی آفریننده و حامی مناسبات اجتماعی متشکل هستند و به طرزی اجتناب ناپذیر، موجد قشربندی هستند. بنابراین قشربندی شکل اجتناب ناپذیر وجود اجتماعی است. نظریه قشربندی مثل نظریه نظام‌های اجتماعی آنقدر انتزاعی و کلی است که بر همهٔ جوامع قابل اطلاق است(ادیبی، ۱۳۵۴).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

دیویس و مور با ابراز این عقیده که نابرابری یک خصیصهٔ کلی جامعه می‌باشد معتقدند که نابرابری یک ضرورت سازمانی است. به عقیدهٔ دیویس، نابرابری اجتماعی طرح ناآگاهانه‌ای است که به جوامع تضمین می‌دهد، که بهترین مشاغل توسط شایسته‌ترین افراد، لیکن به طور آگاهانه اشغال شود. خلاصه آن که اهمیت فونکسیونلی مشاغل در جامعه و کمیابی نسبی افراد واجد شرایط برای تصدی آن‌ها، عمده‌ترین عواملی هستند که میزان پاداش‌های اجتماعی را برای مشاغل و به عبارتی موقعیت‌های مختلف اجتماعی تعیین می‌کنند(ربانی، ۱۳۸۵).

پارتو در مطالعات مربوط به نظام قشربندی اجتماعی، جامعه را به دو بخش تقسیم می‌کند: توده‌ها و نخبگان. توده‌ها در مدارج پایینی از هوش و لیاقت قرار دارند ولی توانایی آن‌ها در استفاده از خشونت و زور زیاد است. برعکس نخبگان به دلیل لیاقت و هوش ذاتی خود بر دیگران برتری می‌یابند (انصاری، ۱۳۷۸).

سامنر، بها و ارزش اجتماعی انسان را ملاک تعیین طبقات اجتماعی می‌داند و معتقد است که هر کس به اندازهٔ استعداد طبیعی خود در این رتبه‌بندی، مرتبه‌ای را احراز می‌کند. سامنر با الهام از مالتوس معتقد است هر کوشش برای کاهش نابرابری از جمله از طریق ایجاد سیستم تأمین اجتماعی زیان بار است، زیرا به غیر شایسته‌ها اجازه می‌دهد که با استفاده از امکانات به دست آمده، مانند خرگوش زاد و ولد کنند(ملک، ۱۳۷۴).

نابرابری اجتماعی از دیدگاه رادیکال‌ها

روش‌شناسی مارکس در توصیف نابرابری‌های اجتماعی را می‌توان سهل و ممتنع دانست. از دید مارکس انسان آفریده کار است و کار خود در شیوهٔ تولید تبلور می‌یابد. در چارچوب هر شیوهٔ تولید روابط و مناسباتی بر مبنای مالکیت شکل می‌گیرد که متضمن نابرابری‌های طبقاتی است و مارکس خصلت این روابط را تضاد و کشمکش می‌داند که نتیجهٔ محتوم هر نوع نابرابری است.شالودهٔ اسلوب مارکسی شناخت نابرابری که از دریچهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

تضاد و کشمکش طبقاتی به آن نگریسته می‌شود، درک مبانی و شکل‌های مالکیت است. از دیدگاه مارکس مالکیت خصوصی عامل اساسی پیدایش شکاف طبقاتی(= نابرابری) بین مردم است و این شکاف همیشه در طول تاریخ بین طبقهٔ «مالک و دارا و آن‌ها که دارا و مالک نیستند» وجود داشته است(گرب، ۱۳۷۳).نگرش طبقاتی مارکس دربارهٔ تمایزات و نابرابری‌ها فقط به پایه‌های مادی مبتنی بر مالکیت خصوصی محدود نمی‌شود. مارکس اندیشه، هنر و ارزش‌های اخلاقی را نیز بر مبنای همین تمایز و از طریق تقسیم مردم به دو گروه حاکم و محکوم درک می‌کند. از دیدگاه مارکس نابرابری در جامعهٔ بشری فرآیندی است که از طریق تقسیم کار محقق شده است. اهمیت نظریهٔ کنش طبقاتی مارکس نه فقط به خاطر محتوای بدیع جامعه شناختی آن، بلکه همچنین به خاطر نفوذ گستردهٔ آن بر روی آراء جامعه شناختی بعدی در این حوزه است (زاهدی، ۱۳۸۵).

دارندورف تأکید می‌کند مادام که هنجارها وجود نداشته باشند و تا جایی که عمیقاً در مردم تأثیر نکرده باشند قشربندی اجتماعی هم وجود نخواهد داشت. اما زمانی که هنجارها بر رفتار مردم تأثیر می‌کنند و زمانی که رفتار بالفعل مردم بر اساس این هنجارها مورد سنجش قرار می‌گیرد ناگزیر نوعی نظام سلسله مراتبی از پایگاه‌های اجتماعی هم پدید خواهد آمد. به نظر دارندورف هسته اصلی نابرابری اجتماعی همیشه می‌تواند از این واقعیت استنتاج شود که انسان‌ها تابعی از طرز برخوردشان با انتظارات جامعه و تابعی از مجازات‌ها و پاداش‌هایی هستند که تضمین کنندهٔ خصلت الزام آور این انتظارات است (نامه فرهنگ، ۱۳۷۱).دارندورف قوانین را نیز چکیدهٔ هنجارها و نشانهٔ وجود نابرابری در جامعه می‌داند و می‌گوید: «قانون شرط لازم و کافی نابرابری اجتماعی است و به عبارت دیگر نابرابری وجود دارد، زیرا قانون وجود دارد و چون قانون هست، لاجرم نابرابری هم درمیان افراد بشر وجود خواهد داشت». به نظر او طلب کردن جامعه‌ای که از هر جهت در آن تساوی برقرار باشد نه تنها غیر واقع بینانه که آرمانی منحرف و هولناک است (ملک، ۱۳۷۴).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

نابرابری اجتماعی از دیدگاه تلفیقی‌ها

از نظرماکس وبر نابرابری اجتماعی در رابطهٔ اجتماعی انعکاس می‌یابد. وبر رابطهٔ اجتماعی را برای بیان شرایطی به کار می‌برد که دو یا چند نفر در رفتاری مشارکت دارند که در چارچوب آن هریک از آنان دیگری را به طرز معناداری به حساب می‌آورد و در نتیجه رفتار مذکور بر همین اساس جهت‌گیری می‌شود. «محتوای این جهت‌گیری متقابل می‌تواند متغیرترین حالات را شامل شود که از جمله آن می‌توان کشمکش، خصومت، جاذبهٔ جنسی، دوستی، وفاداری یا مبادلهٔ اقتصادی» را نام برد. علاوه بر این محتوای مزبور می‌تواند انجام، انکار و یا طفره رفتن از یک قرارداد و همچنین رقابت اقتصادی یا عشقی و یا هرنوع دیگری از رقابت و نیز تقسیم مناصب یا عضویت در یک طبقه یا ملت را در بربگیرد (وبر، ۱۳۶۷به نقل از زاهدی، ۱۳۸۵).بر این اساس، نابرابری را به زبان وبری باید نوعی از محتوای رابطهٔ اجتماعی تعریف کرد که تماماً عبارت از این احتمال است که افراد به طریقی قابل تعین و معنادار بر مبنای درک تطبیقی منزلت‌های درون فهمی شده به صورتی تفاوت گذار و تبعیضی رفتار خواهند کرد.هم چنین می‌دانیم که وبر منزلت‌ها را مبنی بر سه عامل «قدرت»، «ثروت» و «حیثیت» می‌داند؛ پس این درک تطبیقی و درون فهمی شده به نوبهٔ خود به کارکرد درجات معین قدرت، ثروت و حیثیت در تنظیم رابطهٔ اجتماعی بستگی دارد(زاهدی، ۱۳۸۵).

گیدنز مانند وبر و مارکس به رابطهٔ نزدیک بین قدرت و نابرابری معتقد است. گیدنز عقیده دارد که جنسیت یکی از مهم‌ترین زمینه‌های نابرابری است و نابرابری جنسی از نظر تاریخی بسیار ریشه دارتر از نظام‌های طبقاتی است (گیدنز، ۱۳۸۴). وی در بحث برابری خواهی تأکید عده‌ای بر برابری فرصت یا شایسته سالاری را مورد انتقاد قرار می‌دهد و معتقد است که این نوع برابری خود موجب نابرابری‌های عمیق در جامعه خواهد شد و به نوعی انسجام اجتماعی را نیز تهدید خواهد کرد.گیدنز با طرح این پرسش که: «برابری باید به چه مفهومی در نظرگرفته شود؟ سیاست نوین برابری را به عنوان «ادغام»و نابرابری را به عنوان«طرد»تعریف می‌کند(هادی زنور، ۱۳۸۵).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

نابرابری‌های اجتما عی در یک نگاه از منظر صاحب‌نظران

	نظریه‌پرداز	سطح تحلیل	رویکرد	پارادایم نظری	مبنای نابرابری	الزامات اساسی	تعریف نابرابری
کارکردگرایان	دورکیم	کلان	جامعه‌شناسی	نظم	تقسیم کار	پاداش	تقسیم کار و تقسیم غیرمساوی پاداش
	پارسونز	کلان	جامعه‌شناسی	نظم	کنش اجتماعی	ارزش‌ها	معیارهای نظام ارزش‌های مشترک
	دیویس ومور	کلان	جامعه‌شناسی	نظم	ضرورت سازمانی	جایگاه‌ها و مهارت‌ها	اشغال جایگاه‌های معین در جامعه و نیاز آن به مهارت‌های خاص
	پارتو	کلان	جامعه‌شناسی	نظم	طبیعت بشر	حاکمیت نخبگان	توزیع نابرابری قدرت و ثروت، لازم برای تعادل اجتماعی
	چلبی	کلان / خرد	جامعه‌شناسی	نظم	عدالت توزیعی	منابع ارزشمند	چولگی منابع ارزشمند
تلفیقی‌ها	ماکس‌وبر	کلان	جامعه‌شناسی	تضاد	قدرت، مشروعیت حیثیت	دیوان‌سالاری	دیوان‌سالاری و تقسیم نامساوی اقتدار
	لنسکی	کلان	جامعه‌شناسی	تضاد	قدرت و امتیاز	تفاوت در دسترسی به قدرت	نابرابری بازتاب قدرت و امتیاز
	گیدنز	کلان	جامعه‌شناسی	تضاد	ساخت‌یابی	منابع ارزشمند	ساخت‌یابی بی‌نظمی توزیع قدرت و ثروت
	فرانک پارکین	کلان / خرد	جامعه‌شناسی	تضاد	انسداد اجتماعی	انحصار	کنترل دارایی مولد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

رادیکال‌ها	مارکس	کلان	جامعه‌شناسی	تضاد	مبارزه طبقاتی	مالکیت خصوصی	مالکیت وسایل تولید و تقسیم نامساوی پاداش
	وسترگارد و رسلر	کلان	جامعه‌شناسی	تضاد	قدرت	مالکیت	مالکیت خصوصی بر عوامل تولید
	نیکولاس پولانزاس	کلان	جامعه‌شناسی	تضاد	قدرت طبقاتی	نیروی کاری	کنترل تولید مادی به مثابه منبع قدرت و نابرابری
	دارندورف	کلان	جامعه‌شناسی	تضاد	توزیع نابرابری اقتدار	هنجار و قدرت	تأثیر هنجارها و نتیجهٔ ثانویه ساخت اجتماعی قدرت

نظریه پردازان سرمایهٔاجتماعی

بوردیو در تعریفی که از سرمایهٔ اجتماعی ارائه می‌دهد می‌گوید: سرمایهٔ اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعل فراهم شده برای فرد یا گروه است. این منابع برآمده از مالکیت شبکهٔ بادوامی از روابط کم و بیش نهادینه شده‌ای است که از فهم متقابل و سوابق مشترک بین افراد حاصل می‌شود (برت، ۲۰۰۰).

کلمن برخلاف بوردیو که نگاهی تضادگرایانه داشت با رویکردی کارکردگرایانه به مسئله سرمایهٔ اجتماعی می‌پردازد. به نظر وی سرمایهٔ اجتماعی را می‌بایست با کارکردش تعریف کرد. کارکردی که به وسیلهٔ سرمایهٔ اجتماعی مشخص می‌شود «ارزش جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که کنش‌گران به عنوان منابعی جهت تحقق اهداف و علایق خود از آن‌ها استفاده می‌کنند». کلمن در این تعریف به دو ویژگی سرمایهٔ اجتماعی اشاره می‌کند یکی این که جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است و دیگر این که کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

پوتنام در تعریف خود از سرمایهٔ اجتماعی بـه دو رکـن اصـلی اشـاره مـی‌کنـد. یکـی شبکه‌های اجتماعی و دیگری اعتماد اجتماعی که اگر هر دو با هم در یـک جامعـه وجـود داشته باشد، منجر به تشکیل سرمایهٔ اجتماعی خواهد شد. بـه نظـر وی سـرمایهٔ اجتمـاعی می‌تواند با شاخصه‌هایی مانند: نظام سیاسی، توسعهٔ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، سلامت اجتماعی و تعلیم و تربیت به طور جدی مرتبط باشد.پوتنام به وجود رابطـهٔ میـان سـرمایهٔ اجتماعی و نظام سیاسی اعتقاد دارد. از نظر وی اعتماد اجتماعی حلقهٔ واسط میـان سـرمایهٔ اجتماعی و نظام سیاسی است. هر اندازه یک نظام سیاسی بتواند اعتماد اجتماعی بیش‌تـری را به دست بیاورد، به ثبات بیش‌تر و مشکلات کم‌تـری دسـت پیـدا خواهـد کـرد(پوتنـام، ۱۹۹۵).

فوکویاما (۱۳۷۹)، سرمایهٔ اجتماعی را ذخیرهٔ جامعه از ارزش‌های مشترک و مؤثر و نیز هنجارهای غیر رسمی جا افتاده‌ای می‌داند که همکـاری میـان دو یـا چنـد نفـر را تـشویق می‌کند. به نظر وی الزامات اساسی سرمایهٔ اجتماعی عبارتنـد از: هنجارهـای غیـر رسـمی، صداقت و اعتماد. سطح تحلیل او در مطالعاتش واحدهای میانی و کلان جامعه است. او از این مفهوم برای بیان فروپاشی نظم اخلاقی جامعه و رسیدن مجدد جامعه به نظم اجتمـاعی استفاده کرده است.

گلن لوری (۱۹۸۵)، سرمایهٔ اجتماعی را نـوعی پیونـدهای اجتمـاعی در میـان کـسانی می‌داند که دارای منـافع اقتـصادی هـستند. ایـن پیونـدها از طریـق ارزش‌هـای مـشترک و گرایش‌های فردی مثبت ایجاد می‌شود. در بیانی دیگر وی سرمایهٔ اجتماعی را مجموعـه‌ای از منابع و امکاناتی می‌داند که در ذات روابـط خـانوادگی و سـازمان اجتمـاعی جامعـه بـه صورت ذاتی و ماندگار وجود دارد(لوری، ۱۹۸۵).

توجه به دیدگاه‌های مختلف نابرابری‌های اجتماعی وتعاریف سرمایهٔ اجتمـاعی، رابطـهٔ مفهومی این دو را بهتر نشان می‌دهد.به طور کلـی سـرمایهٔ اجتمـاعی را مـی‌تـوان منـابعی تعریف کرد که میراث روابط اجتمـاعی انـد وکـنش جمعـی را تـسهیل مـی‌کننـد. سـرمایهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

اجتماعی جامعه را سالم‌تر، داراتر و شاید با تدبیرتر و شکیباتر می‌سازد، هم چنان که گروتارت سرمایهٔ اجتماعی را مؤلفه‌ای اساسی برای تبیین این پرسش که چرا برخی از جوامع نسبت به جوامع دیگر موفق‌تر هستند می‌داند. در کشورهای توسعهٔ نیافته، فقدان سرمایهٔ اجتماعی را حلقهٔ مفقوده توسعهٔ و رشد اقتصادی نام نهاده‌اند. به نظر اوسلانر و دکر[1] کشورهای با سطوح بالاتر اعتماد، عمل کرد حکومتی مناسب‌تر، رونق بیش‌تر و رشد اقتصادی بیش‌تر خواهند داشت (دکر و اوسلانر، ۲۰۰۱).بدیهی است برای توسعهٔ هم سرمایهٔهای انسانی لازم است و هم سرمایهٔهای اجتماعی. سرمایهٔ اجتماعی شامل نهادهای رسمی و غیررسمی از قوانین، روش‌ها، عادات وسنن اجتماعی، قواعد رفتاری، اعتماد عمومی، فضای کاروکسب و از این قبیل است. اگر درکنار سرمایهٔ فیزیکی و نیروی کار و مواد اولیه، این سرمایهٔهای انسانی و اجتماعی را نداشته باشیم در عمل این سرمایهٔها قابل استفاده نیستند. ما این کمبود را در کشورمان احساس می‌کنیم که با وجود نیروی انسانی و سرمایهٔهای فیزیکی و مواد اولیه، از سرمایه‌های اجتماعی و انسانی کافی برخوردار نبوده‌ایم و در نتیجه این منابع در خدمت توسعهٔ کشور قرار نگرفته است (برادران شرکاء، ۱۳۸۴). در شرایطی که سرمایهٔ اجتماعی یعنی توانایی استفاده جمعی و توأم با همکاری از منابع برای وظایف عمومی وجود نداشته باشد، بعید است که تنها تأمین سرمایهٔ مالی و افزایش سرمایهٔ انسانی بتواند به نتایج مثبتی همچون رشد اقتصادی وکاهش فقر و نابرابری، مشارکت بیش‌تر و پاسخ گویی به نهادهای عمومی منجر شود(تاجبخش، ۱۳۸۴). شناخت و تقویت سرمایهٔ اجتماعی در جامعه از طرفی باعث افزایش تحمل مردم نسبت به مسائل جامعه از جمله فقر و نابرابری شده و از طرف دیگر ایجادکنندهٔ ارزش افزودهٔ اقتصادی است که می‌تواند منجر به کاهش فقر و نابرابری گردد.

1- Uslaner & Dekker

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

سرمایهٔ اجتماعی در یک نگاه از منظر پژوهش‌گران

متغیرها / پژوهش‌گران	تعریف سرمایهٔ اجتماعی	الزامات اساسی	موارد کاربرد	هدف	واحد تحلیل / سطح تحلیل
لیداهانی فن (۱۹۱۶) .D.L Hanifan	بنابر نظر اکثریت پژوهش‌گران وی واضع اصطلاح سرمایهٔ اجتماعی است. وی سرمایهٔ اجتماعی را نوعی دارایی می‌داند مانند: حسن تفاهم، همدردی، رفاقت و دوستی در بین افراد و خانواده‌ها که در زندگی روزانه افراد به حساب می‌آید.	همدردی، دلسوزی، مراودهٔ اجتماعی	بیان مراودهٔ اجتماعی روستائیان	توجه مسئولین مراکز اجتماعی مدارس روستایی به تقویت و افزایش مرآوده اجتماعی روستائیان	فرد خرده میانی
جین جاکوب (۱۹۶۱) Jacobs .J	شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای هستند که می‌توانند در ارتباط با سالم‌سازی جامعه و برخورد با جرم و جنایت مؤثر باشند.	همکاری داوطلبانه، احساس تعهد، شهروندی، شبکهٔ‌های اجتماعی فشرده	تجزیه، تحلیل و بیان همکاری داوطلبانهٔ مردم با مقامات محلی	رسیدن به شهر و جامعهٔ سالم	فرد خرد
پی یر بوردیو (۱۹۷۲) Bourdieu .P	منابعی که منافع عمومی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و دست‌رسی به خدمات گروه را آسان می‌کند. وی تعریفی ماهوی و محتوایی از سرمایهٔ اجتماعی ارایه می‌دهد	اعتماد، پیوندها و تعاملات فردی و گروهی، ارزش‌ها و هنجارها	از ماهیت و محتوای دورنی سرمایهٔ اجتماعی بیش‌تر استفاده کرده است، تا جنبه‌های کارکردی آن	رسیدن به سرمایهٔ انسانی	فرد، طبقه خرده میانی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

متغیرها / پژوهش‌گران	تعریف سرمایهٔ اجتماعی	الزامات اساسی	موارد کاربرد	هدف	واحد تحلیل / سطح تحلیل
گلن لوری(۱۹۸۵) Loury.G	مجموعه‌ای از منابع و امکاناتی که در روابط خانوادگی و سازمان اجتماعی جامعه به صورت ذاتی و ماندگار وجود دارد و برای جامعه پذیری کودک یا بزرگسالان مفید است	اعتماد، همبستگی اجتماعی و گروهی	توصیف ارتباط بین توسعهٔ اقتصاد درون شهری و توسعهٔ سرمایه انسانی	رسیدن به توسعهٔ اقتصاد درون شهرک را طریق افزایش سرمایهٔ انسانی	فرد خرد
جیمز کلمن (۱۹۸۸) Coleman .J	منبعی اجتماعی ـ ساختاری است که دارایی و سرمایهٔ افراد و گروه‌ها محسوب می‌شود. وی تعریفی کارکردی و نه ماهوی از سرمایهٔ اجتماعی ارائه می‌کند. تعریف وی نسبت به دیگران عمومی‌تر است.	اعتماد، اختیار، تعهدات، انتظارات، ارزش‌ها و هنجارها	برای اولین بار در آمریکای شمالی این واژه را وارد عرصه سیاسی کرد با تأکید بر کارکردهای سرمایهٔ اجتماعی	رسیدن به سرمایهٔ انسانی و توسعهٔ سیاسی	فرد، گروه‌ها جامعه خرده میانی، کلان
رابرت پوتنام (۱۹۹۰) Putnam.R	مجموع منابعی است که از طریق روابط بین افراد و شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای متقابل و اعتماد اجتماعی تولید می‌شود. وی سرمایهٔ اجتماعی را واسطهٔ بین هنجارها و اجرای قوانین جامعه می‌داند.	اعتماد و تعهدات، ارزش‌ها و هنجارها، احساس تعلق و پیوندها، صداقت	تأکید بر کارکردهای سیاسی و اقتصادی به ویژه برای بهبود آموزش و پرورش، سلامت و بهداشت و کاهش جرم و جنایت	رسیدن به توسعهٔ سیاسی و اقتصادی	رژیم‌های سیاسی (حکومت‌های ملی) کلان

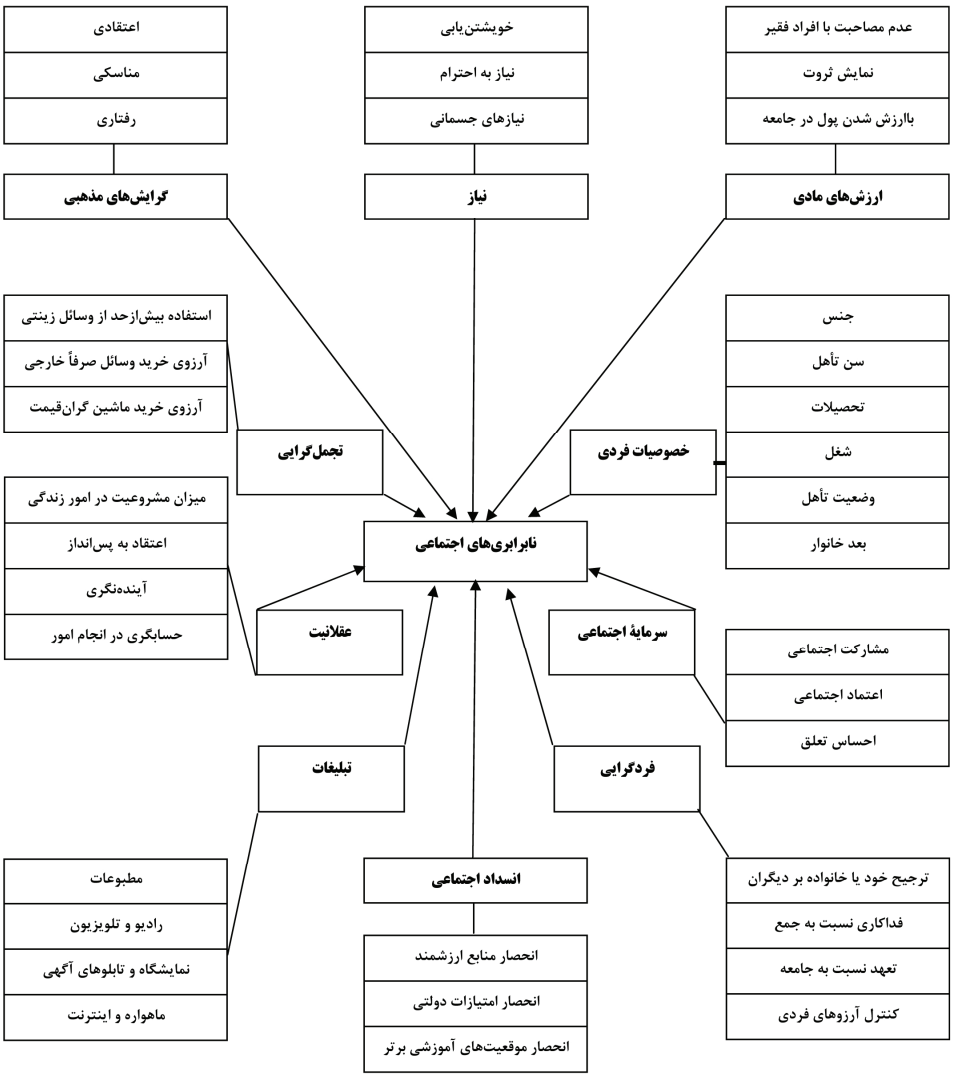
[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

متغیرها / پژوهش‌گران	تعریف سرمایهٔ اجتماعی	الزامات اساسی	موارد کاربرد	هدف	واحد تحلیل / سطح تحلیل
فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۷) F. Fukuyama	ذخیرهٔ جامعه از ارزش‌های مشترک و مؤثر و هنجارهای غیر رسمی و جا افتاده‌ای که همکاری میان دو یا چند نفر را تشویق می‌کند.	هنجارهای غیر رسمی که سبب همکاری می‌شود، صداقت، اعتماد	برای بیان فروپاشی نظم اخلاقی جامعه و رسیدن مجدد جامعه به نظم اجتماعی	رسیدن به توسعهٔ اقتصادی	ناحیه، اجتماع میانی، کلان
بانک جهانی (۱۹۹۹) World Bank	روابط و هنجارهایی است که در سطح سازمان‌ها، و نهادها و جوامع، کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی را می‌سازند.	همبستگی اجتماعی، اعتماد اجتماعی	بیان وضعیت توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی کشور	رسیدن کشورها به توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	کشور، واحدهای ملی کلان

مدل تحلیلی و فرضیه‌های تحقیق

مهم‌ترین یافتهٔ نظری این پژوهش به بررسی تأثیر سرمایهٔاجتماعی بر نابرابری‌های اجتماعی در کنار سایر عوامل مؤثر معطوف می‌گردد. از لحاظ نظری، این سئوال وجود دارد که چگونه شرایط اجتماعی به نابرابری‌های اجتماعی منجر می‌شود و به گسترش آن در جامعه می‌انجامد. در این تحقیق با الهام از آرای صاحب نظران کارکردگرا، رادیکال و تلفیقی، می‌توان عوامل مؤثر بر ایجاد و گسترش نابرابری اجتماعی به ویژه سرمایهٔاجتماعی را در قالب مدل نظری زیر بیان نمود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]



[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مدل تحلیلی، تأثیرانواع متغیرهای گوناگون مستخرج ازنظریه‌های صاحب‌نظران فوق وهم‌چنین متغیرهای پیشینه‌ای (سن، جنس، تحصیلات و...) را از یک سو وتأثیر سرمایهٔاجتماعی را از سوی دیگر بر نابرابری‌های اجتماعی مورد نظر قرار می‌دهد.

از مدل تحلیلی پژوهش می‌توان فرضیه‌های زیر را استخراج نمود:

- بین میزان سرمایهٔ اجتماعی شهروندان و نابرابری‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین ارضاء نیازهای شهروندان و نابرابری‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین گرایش‌های مذهبی شهروندان ونابرابری‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین میزان تجمل گرایی شهروندان ونابرابری‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین میزان انسداد اجتماعی ونابرابری‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین گرایش به ارزش‌های مادی درجامعه ونابرابری‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین میزان عقلانیت شهروندان ونابرابری‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای پیشینه‌ای ونابرابری‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی

روش‌های تحقیق در مطالعات جامعه شناختی مختلف ومتنوع است. دراین مطالعه از روش پیمایشی بهره گرفته شده است. در این تحقیق از پرسش‌نامه استفاده شده است که حاوی سئوالات بسته و بستهٔ مدرج مانند طیف‌های لیکرت و برش قطبین به منظور سنجش متغیرهای مستقل و وابسته است. جامعهٔ آماری پژوهش حاضر کلیهٔ شهروندان شهر اصفهان که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران برابر با ۱۶۲۱۲۶۳ نفر است، می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران و بر اساس میزان پراکندگی متغیرهای اصلی مورد مطالعه درتحقیق، استفاده شده است. دارا بودن بالاترین ضریب تغییرات با توجه به میزان و نسبت p و q بیان‌گر بیش‌ترین پراکندگی در جامعهٔ آماری در توزیع متغیرهای مذکور است. مقدار دقت احتمالی مطلوب برای نمونه (d)۰/۰۵ و احتمال

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

وجود صفت مورد نظر (p) و عدم وجود صفت مورد نظر (q) برای نمونه به ترتیب ۰/۴۶۷ و ۰/۵۳۳ (یا بالعکس) وضریب اطمینان (z) برابر ۲/۵۸ که با۹۹٪ اطمینان است، در نظر گرفته شده است. بر اساس این اطلاعات، حجم نمونه باتوجه به بیش‌ترین پراکندگی برابر ۶۶۳ نفر محاسبه شده است. البته به علت مخدوش شدن و مشکلات احتمالی دیگر ۷۰۰ پرسش‌نامه توزیع گردید ودر نهایت ۶۹۶ پرسش‌نامه استخراج شد. شیوهٔ نمونه‌گیری در این تحقیق سهمیه‌های بوده است. سهمیه‌ها با توجه به سه متغیر منطقهٔ جغرافیایی، محل سکونت و گروه سنی تعیین شده‌اند. بر اساس نقشهٔ شهر اصفهان، شهر به ۲۹ ناحیه یا بلوک تقسیم شده است و هر بلوک نیز با توجه به تمرکز جمعیت در قسمت‌های مختلف به ۲ تا ۵ قسمت فرعی تقسیم شده و به هر قسمت متناسب با حجم تمرکز، نمونهٔ متفاوتی اختصاص یافته است. در این تحقیق به منظور تعیین اعتبار طیف‌های سنجش متغیرهای مستقل و وابسته از روش اعتبار اندازه‌گیری بر اساس گروه‌های شناخته شده که از زمرهٔ روش‌های آماری و کمی اعتبار سازه به شمار می‌آید، بهره گرفته شده است و به منظور تعیین پایایی از روش محاسباتی آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان آلفای محاسبه شده برای دستهٔ طیف‌های موجود بین ۶۰ ٪تا ۹۵٪ می‌باشد.

در این پژوهش برای تعیین میزان نابرابری اجتماعی، میزان دارایی افرادبراساس سه متغیر: امکانات منزل، قیمت ماشین و درآمد بررسی شده است. هر چند با اضافه کردن دارایی‌های دیگر مانند املاک، مستغلات، باغ، سهام و... می‌توانستیم اطلاعات دقیق‌تری به دست آوریم ولی استفاده از سه مورد فوق به دلیل مشترک بودن بین همهٔ افراد جامعه، انتخاب شده است. با توجه به این منابع و میزان تعلق آن به هر کدام از پاسخ‌گویان جهت بهتر و واضح‌تر تحلیل نمودن، جامعهٔ آماری را به سه دسته تقسیم گردید به صورتی که افراد قشر پایین جامعه را که از مجموعهٔ دارایی‌های کم‌تری برخوردار بوده، طبقهٔ یک قرار داده و آن‌هایی که دارای حد متوسطی از این دارایی بوده، طبقهٔ دو و کسانی که از بالاترین میزان دارایی بهره‌مندبودند طبقهٔ سه قرار دادیم. همچنین در این تحقیق ابتدا مسئلهٔ نابرابری

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

به ابعاد جزئی‌تر تقسیم، آن گاه معرف‌های مربوط به هر بعد مشخص گشته وسپس متناسب با ابعاد نابرابری، مطلوب‌ترین روش برای سنجش آن‌ها انتخاب گردیده است. در این تحقیق بررسی برخی از ابعاد نابرابری در سطح فاصله‌ای بوده و با سئوالات بسته سنجیده شده است و عمده ابعاد دیگر نابرابری در سطح سنجش ترتیبی فراهم گردیده است. به طوری که به وسیلهٔ این مقیاس می‌توان علاوه بر دارا بودن یا نبودن یک صفت کیفی، شدت و ضعف نسبی آن‌را با کمی اغماض و تسامح، میزان آن را به طور فاصله‌ای تعیین کرد.برای بررسی و سنجش معرف‌های نابرابری از گویه استفاده شده است. هم‌چنین بر اساس تعدادی سئوال و گزینهٔ چند درجه‌ای جهت سنجش اعتماد رسمی، اعتماد غیررسمی، اعتماد تعمیم یافته، مشارکت مدنی، مشارکت اجتماعی، احساس تعلق، یک طیف نه گویه‌ای به سبک‌های لیکرت و برش قطبین جهت سنجش ارزش‌های مادی، یک طیف چهار گویه‌ای به سبک لیکرت جهت سنجش ارضاء نیازها، پرسش‌نامهٔ نهایی تدوین شد.در مجموع پرسش‌نامهٔ مشتمل بر سئوالات منفرد و طیف‌های سنجش چندگویه‌ای است. طیف‌های سنجش عمدتاً به سبک لیکرت و همچنین برش قطبین تنظیم شده‌اند.

تعریف مفاهیم و متغیرها

- **نابرابری اجتماعی**: توزیع چولهٔ منابع ارزشمند در جامعه را نابرابری اجتماعی گویند(چلبی، ۱۳۷۵).به طوردقیق‌تر به تفاوت‌هایی میان افراد(یا جایگاه‌هایی که به صورت اجتماعی تعریف شده است و آن‌ها آن را اشغال کرده‌اند)اشاره می‌کند، که بر نحوهٔ زندگی آن‌ها، خاصه بر حقوق و فرصت‌ها و پاداش‌ها و امتیازاتی که از آن برخوردارند تأثیر دارد(گرب، ۱۳۷۳).
- **سرمایهٔ اجتماعی**: آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل هنجارها، شبکهٔ‌های اجتماعی و اعتماد متقابل است که مشارکت و هماهنگی افراد برای دست‌یابی به منافع مشترک را تسهیل می‌کند (پوتنام، ۱۹۹۵).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

- **شبکهٔ روابط اجتماعی**: مجموعه‌ای از الگوهای ارتباطی است که توسط مشارکت جویان به منظور ایجاد کنش متقابل بـه کـار گرفتـه مـی‌شـود. در ایـن مجموعـه منـابعی نیـز توسـط کنش‌گران به حریم و درون کنش آورده می‌شوند. منابع بالقوهٔ آن عبارت است از مهارت‌هـا و توانایی‌های شخصی ومنابع اقتصادی آن منابعی است که با مشاغل و پایگاه کنش گـران و دیگر گروه‌هایی که به آن‌ها متصل هستند مرتبط است (مرکز آمار استرالیا، ۲۰۰۳).
- **مشارکت اجتماعی**: انواع کنش‌های فردی و گروهی شـهروندان بـه منظـور دخالـت در تعیین سرنوشت اجتماعی و تأثیر نهادن در فرآیند تصمیم‌گیری‌هـای عمـومی، مـشارکت اجتماعی است (هانتینگتون و نلسون، ۱۹۷۶).
- **اعتماد اجتماعی**: پذیرش قواعد بازی در صحنهٔ اجتماع و مـشروعیت آن و اطمینـان بـه بازیگران در این صحنه را اعتماد اجتماعی گویند (چلبی، ۱۳۷۵).
- **برابری**: برابری به عنوان وضعیتی تعریف شده که در آن ویژگـی‌هـای خـاص بـه طـور عادلانه میان واحدها توزیع می‌شودکه این واحدها می‌تواننـد گـروه‌هـا، افـراد، کـشورها و.....باشند (فایرباف، ۲۰۰۳). به لحاظ تاریخی نیز، نظریهٔ برابری متمرکز بر عدالت درک شده از مقدار پاداش‌های توزیع شدهٔ بین افراد است(رابینز، ۲۰۰۱).
- **ارزش‌های مادی**: ارزش‌های مادی عبارتند از مطلوبیـت و مـورد تقاضـا بـودن معیارهـا واصول مربوط به نیازهای ایمنی وفیزیولوژیک.در تعریف عملیاتی اهمیت قائل شدن فرد برای امور و مسائل ایمنی و مادی در جامعه و نیز امور و مسائل مادی در زندگی فـردی مورد نظر قرار می‌گیرد(قانعی راد و حسینی، ۱۳۸۴).
- **ارضاء نیاز**: ارضاءنیاز مرکب از دو واژهٔ «ارضاء»به معنای خشنودکردن، راضی گردانیـدن و دادن چیزی برای خشنود کردن(معین، ۱۳۶۳) و«نیاز»احساس فقدان یا حرمـانی اسـت که به یک موجود زنده (و مخصوصا انسان دارای آگاهی)به جهت آن که درجریان تحقق اهدافش خود را فاقد چیزی می‌بیند، دست می‌دهد(بیرو، ۱۳۸۰).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

یافته‌های تحقیق

میزان نابرابری اجتماعی

چنان چه در جدول(۱) مشاهده می‌گردد شدت نابرابری‌های اجتماعی به ترتیب در پنج درجهٔ بسیار پایین، پایین، حدوسط، بالا و بسیار بالا طبقه‌بندی شده است.از نتایج جدول مشاهده می‌شودکه هیچ کدام از پاسخ‌گویان طبقهٔ یک نابرابری اجتماعی بسیار پایین ندارند، اما از بین کل پاسخ گویان طبقهٔ دو۴/۶درصد و از بین کل پاسخ گویان طبقهٔ سه ۱۵/۲ درصد دارای میزان نابرابری بسیار پایینی بوده‌اند. در حالی که میزان نابرابری اجتماعی در بین ۳۴/۶ درصد از پاسخ‌گویان طبقهٔ یک و بین ۱۲/۵ درصد از افراد طبقهٔ دو وبین ۱/۳ درصد از پاسخ‌گویان طبقهٔ سه بالا و بسیار بالا بوده است.با توجه به میانگین‌های به دست آمده بر روی طیف پنج‌درجه‌ای، میانگین نابرابری برای طبقهٔ یک ۳/۲ و برای طبقه دو ۲/۸ و برای طبقهٔ سه ۲/۰ و در کل ۲/۷ می‌باشد. بنابراین با مقایسهٔ میانگین‌ها، به این نتیجه دست می‌یابیم که نابرابری اجتماعی در طبقهٔ یک بالاتر از طبقهٔ دو و سه می‌باشد. به نظر میرسد میزان فرصت‌های تحرک به خوبی می‌تواند علت اختلاف میانگین طبقهٔ یک (۳/۲) و طبقهٔ سه (۲/۰) را تبیین کند. در مجموع با توجه به میزان F (۸۶/۳۱) و درصد ضریب معناداری (۰/۰۰۰) با اطمینان حداقل ۹۵٪ می‌توان این افزایش نابرابری اجتماعی در طبقهٔ یک نسبت به دو طبقهٔ دیگر را برای جامعهٔ آماری مورد تحقیق پیش‌بینی نمود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

جدول ۱- توزیع پاسخ‌گویان برحسب میزان نابرابری اجتماعی آن‌ها

طبقات / نابرابری اجتماعی	طبقهٔ ۱		طبقهٔ ۲		طبقهٔ ۳		کل	
	تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد
بسیار پایین	۰	۰	۲۱	۴/۶	۱۲	۱۵/۲	۳۳	۴/۷
پایین	۲۵	۱۵/۴	۱۶۸	۳۶/۹	۵۳	۶۷/۱	۲۴۶	۵۳/۳
حد وسط	۸۱	۵۰/۰	۲۰۹	۴۵/۹	۱۳	۱۶/۵	۳۰۳	۴۳/۵
بالا	۴۷	۲۹/۰	۵۳	۱۱/۶	۱	۱/۳	۱۰۱	۱۴/۵
بسیار بالا	۹	۵/۶	۴	۰/۹	۰	۰	۱۳	۱/۹
کل	۱۶۲	۱۰۰	۴۵۵	۱۰۰	۷۹	۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰
میانگین بر روی طیف پنج‌درجه‌ای	۳/۲		۲/۸		۲/۰		۲/۷	

F = ۸۶/۳۱ sig = ۰/۰۰۰

ابعاد نابرابری اجتماعی

براساس مندرجات جدول (۲) ۴۷/۱ درصد از کل پاسخ‌گویان در معرض نابرابری اقتصادی بالا و بسیار بالا قرار گرفته‌اند و تنها ۲۲/۶ درصد از پاسخ‌گویان دارای نابرابری اقتصادی پایین و بسیار پایین هستند و ۳۰/۳ درصد از افراد نسبت به این شاخص در حد وسط قرار دارند. هم‌چنین یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ۶۴/۵ درصد از پاسخ‌گویان دارای نابرابری سیاسی بالا و بسیار بالا می‌باشند. یعنی نسبت به روند سیاسی جامعه نظر مطلوبی ندارند و حال آن‌که تنها ۷/۸ درصد از پاسخ‌گویان در معرض نابرابری سیاسی پایین و بسیار پایین قرار گرفته‌اند و ۲۷/۶ درصد از پاسخ‌گویان در حد وسط از این شاخص می‌باشند.و اما نابرابری جنسی در مورد ۵۶/۶ درصد از پاسخ‌گویان بالا و بسیار بالا بوده و تنها ۸/۳ درصد از پاسخ‌گویان دچار تبعیض‌های جنسیتی در حد پایین و بسیار پایین شده‌اند. ۳۵ درصد از پاسخگویان در حد وسط از تبعیض‌های جنسیتی قرار دارند.۲۹/۳ درصد از پاسخ‌گویان در وضعیتی قرار گرفته‌اند که در آن وضعیت نابرابری و تبعیض شغلی در مورد آن‌ها بالا و بسیار بالا بوده است و ۱۹/۷ درصد در وضعیت پایین و بسیار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

پایین از تبعیض شغلی قرار گرفته‌اند اما بیش از نیمی از پاسخ‌گویان (۵۱/۱ درصد) این وضعیت تبعیض‌آمیز را در حد متوسط نسبت به خود دانسته‌اند. در مجموع با توجه به میانگین‌های به دست آمده برای ابعاد نابرابری‌های اجتماعی بر روی یک طیف پنج‌درجه‌ای می‌توان گفت به ترتیب نابرابری‌های سیاسی، جنسی، اقتصادی، شغلی، آموزشی، فرصت‌ها و هزینه‌ها از مهم‌ترین ابعاد نابرابری‌های اجتماعی در نمونهٔ تحقیق مورد مطالعه می‌باشند.

جدول ۲- توزیع و مقایسه ابعاد نابرابری اجتماعی و میزان آن‌ها

ابعاد نابرابری‌اجتماعی / طبقات	نابرابری اقتصادی		نابرابری سیاسی		نابرابری فرصت‌ها		نابرابری هزینه		نابرابری آموزشی		نابرابری جنسی		نابرابری شغلی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بسیار پایین	۴۷	۶/۸	۲۱	۳/۰	۵۸	۸/۵	۱۱۵	۱۶/۶	۵۱	۷/۳	۹	۱/۳	۱۱	۱/۶
پایین	۱۱۰	۱۵/۸	۳۴	۴/۸	۲۹۷	۴۲/۷	۳۳۴	۴۸	۱۸۱	۲۶/۰	۴۹	۷/۰	۱۲۶	۱۸/۱
حد وسط	۲۱۱	۳۰/۳	۱۹۳	۲۷/۶	۲۸۷	۴۱/۲	۱۹۳	۲۷/۶	۲۳۵	۳۳/۷	۲۴۴	۳۵/۰	۳۵۶	۵۱/۱
بالا	۱۴۶	۲۱	۹۰	۱۲/۹	۵۲	۷/۵	۴۸	۶/۸	۱۷۰	۲۴/۴	۳۰۷	۴۴/۱	۱۵۴	۲۲/۲
بسیار بالا	۱۸۲	۲۶/۱	۳۵۹	۵۱/۶	۲	۰/۲	۶	۰/۷	۵۹	۸/۴	۸۷	۱۲/۵	۴۹	۷/۱
جمع	۶۹۶	۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰
میانگین ابعاد نابرابری روی یک طیف پنج‌درجه‌ای	۳/۴		۴/۰		۲/۵		۲/۱		۳/۰		۳/۶		۳/۱	

البته هر چند شدت ابعاد نابرابری‌های اجتماعی یکسان نیست اما این ابعاد بر همدیگر تأثیر معناداری دارند و یکدیگر را در راستای افزایش نابرابری اجتماعی تقویت می‌کنند.

با توجه به میانگین‌های به دست آمدهٔجدول(۳) ملاحظه می‌کنیم که میانگین طبقهٔ یک ۳/۲، میانگین طبقهٔ دو ۳/۳ و میانگین طبقهٔ سه ۴ بوده و به ترتیب از کم‌ترین تا بیش‌ترین میانگین را در بین نمونهٔ مورد مطالعه داشته‌اند.پایین بودن عقلانیت در بین طبقهٔ یک شاید به این دلیل باشد که آن‌ها اعتقاد به تقدیرگرایی داشته و کم‌تر براساس عقل و منطق تصمیم‌گیری می‌نمایند. به علت محدود بودن فرصت‌های آموزشی، سطح آگاهی و ادراک

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

آن‌ها نیز محدود شده است. چنان چه می‌بینیم فقر بخشی از زندگی این افـراد بـه حـساب آمده و معتقدند تا بوده همین طور بوده و تفاوت‌های طبقاتی در حـوزه خودآگـاهی آن‌هـا نمی‌آید. هر کسی خودش را در آن جایگـاهی کـه قـرار دارد، ارزیـابی مـی‌کنـد نـه در آن جایگاهی که باید باشد، حتی اگر در شرایط سختی زنـدگی مـی‌کنـد سـعی دارد آن را بـه گونه‌ای توجیه کند، چون گمان می‌کند تقدیر چنین است و او کاری نمی‌تواند انجام دهـد. با توجه به میزان F به دست آمده (۲۱/۶۰) و ضریب معناداری (۰/۰۰۰) این نتیجه بـه کـل جامعهٔ آماری قابل تعمیم است.

جدول ۳- توزیع پاسخ‌گویان برحسب عقلانیت به تفکیک طبقهٔ اجتماعی

طبقات / عقلانیت	طبقه ۱		طبقه ۲		طبقه ۳		کل	
	تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد
بسیار پایین	۸	۴/۹	۱۱	۲/۴	۰	۰	۱۹	۲/۷
پایین	۲۶	۱۶/۰	۶۷	۱۴/۷	۰	۰	۹۳	۱۳/۴
حد وسط	۵۶	۳۴/۶	۱۷۹	۳۹/۳	۱۱	۱۳/۹	۲۴۶	۳۵/۳
بالا	۶۴	۳۹/۵	۱۷۶	۳۸/۷	۶۲	۷۸/۵	۳۰۲	۴۳/۴
بسیار بالا	۸	۴/۹	۲۲	۴/۸	۶	۷/۶	۳۶	۵/۲
کل	۱۶۲	۱۰۰	۴۵۵	۱۰۰	۷۹	۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰
میانگین بر روی طیف پنج‌درجه‌ای	۳/۲		۳/۳		۴		۳/۴	

F = ۲۱/۶۰ sig = ۰/۰۰۰

میزان سرمایهٔ اجتماعی

خلاصه و مهم‌ترین نتایج حاصل از اطلاعات ارائه شده در جدول (۴) دربارهٔ میزان سرمایهٔ اجتماعی به تفکیک سه طبقه به شرح زیر است:

چنان چه در جدول ملاحظه می‌شود، میزان سرمایهٔ اجتماعی بسیار بـالا در بـین پاسـخ گویان طبقهٔ سه اصلاً وجود ندارد و تنها ۲/۵ درصد از پاسخ‌گویان این طبقـه دارای میـزان بالایی از سرمایهٔ اجتماعی هستند. در حالی که میزان سرمایهٔ اجتماعی پایین و بسیار پـایین

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

در بین ۴۱/۸ درصد از پاسخ‌گویان این طبقه و میزان حد متوسط آن در بین ۵۵/۷ درصد از آن‌ها وجود دارد.

در بین شهروندان طبقهٔ دو جامعه، میزان سرمایهٔ اجتماعی بالا و بسیار بالا در بین۲۶/۴ درصد از پاسخ‌گویان و سطح سرمایهٔ اجتماعی پایین و بسیار پایین در بین ۲۴/۲ درصد از آن‌ها وجود دارد. در حالی که حد وسط سرمایهٔ اجتماعی بین ۴۹/۵ درصد از پاسخ‌گویان وجود دارد. هم‌چنین در طبقهٔ یک ۲۸/۶ درصد از پاسخ‌گویان دارای میزان سرمایهٔ اجتماعی بالا و بسیار بالا و ۳۴درصد از آن‌ها دارای سرمایهٔ اجتماعی در سطح پایین و بسیارپایین و ۴۷/۵درصد از پاسخ‌گویان در حد وسط از سرمایهٔ اجتماعی هستند.

براساس میانگین‌های به دست آمده در می‌یابیم که میانگین سرمایهٔ اجتماعی پاسخ‌گویان در طبقهٔ دو، بر روی یک طیف پنج درجه‌ای با میزان ۳/۰ بالاتر از طبقهٔ یک با میزان ۲/۸ و طبقهٔ سه با میزان ۲/۶ قرار می‌گیرد. باتوجه به میانگین سرمایهٔ اجتماعی در بین کل پاسخ‌گویان (۲/۹) می‌توانیم بگوییم میانگین سرمایهٔ اجتماعی در بین آن‌ها پایین به سمت متوسط می‌باشد.با توجه به میزان F (۱۰/۹۶) به دست آمده و ضریب معناداری (۰/۰۰۰) این نتیجه برای کل جامعهٔ آماری قابل پیش‌بینی است.

جدول ۴- توزیع پاسخ‌گویان برحسب میزان سرمایهٔ اجتماعی به تفکیک طبقه اجتماعی

طبقات / سرمایهٔ اجتماعی	طبقه ۱		طبقه ۲		طبقه ۳		کل	
	تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد
بسیار پایین	۴	۲/۵	۱۶	۳/۵	۱	۱/۳	۲۱	۳/۰
پایین	۵۱	۳/۵	۹۴	۲۰/۷	۳۲	۴۰/۵	۱۷۷	۲۵/۴
حد وسط	۷۷	۴۷/۵	۲۲۵	۴۹/۵	۴۴	۵۵/۷	۳۴۶	۴۹/۷
بالا	۲۷	۱۶/۷	۱۰۱	۲۲/۲	۲	۲/۵	۱۳۰	۱۸/۷
بسیار بالا	۳	۱/۹	۱۹	۴/۲	۰	۰	۲۲	۳/۲
کل	۱۶۲	۱۰۰	۴۵۵	۱۰۰	۷۹	۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰
میانگین بر روی طیف پنج‌درجه‌ای	۲/۸		۳/۰		۲/۶		۲/۹	

F = ۱۰/۹۶ sig = ۰۰۰

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مقایسهٔ ابعاد سرمایهٔ اجتماعی

قضاوت نهایی در مورد سرمایهٔ اجتماعی با توجه بـه جـدول (۵)در جامعـهٔ آمـاری مـورد مطالعهٔ آن است که میزان سرمایهٔ اجتماعی در حد پایین به سمت متوسط است. اما شـدت بعد اعتماد اجتماعی نسبت به ابعاد احساس تعلق و مشارکت بیش‌تر می‌باشد.

جدول ۵- توزیع پاسخ‌گویان برحسب شدت سرمایهٔ اجتماعی در ابعاد سه‌گانه

ابعاد سرمایهٔ اجتماعی	شدت ابعاد	بسیار بالا	بالا	حد وسط	پایین	بسیار پایین	اصلاً	میانگین میانه	انحراف معیار	جمع
اعتماد اجتماعی	تعداد	۱۶	۱۶۲	۳۴۹	۱۴۹	۲۰	ـــ	۳	۰/۸۱	۶۹۶
	درصد	۲/۳	۲۳/۳	۵۰/۱	۲۱/۴	۲/۹	ـــ	۳	ـــ	۱۰۰
احساس تعلق	تعداد	۲۱	۱۰۲	۲۳۰	۲۱۸	۸۱	۴۴	۲/۴۷	۱/۱۶	۶۹۶
	درصد	۳/۰	۱۴/۷	۳۳/۰	۳۱/۳	۱۱/۶	۶/۳	۳	ـــ	۱۰۰
مشارکت	تعداد	۴	۴۱	۲۲۷	۳۴۸	۷۵	۱	۲/۳۵	۰/۷۷	۶۹۶
	درصد	۰/۶	۵/۹	۳۲/۶	۵۰/۰	۱۰/۸	۰/۱	۲	ـــ	۱۰۰
سرمایهٔ اجتماعی در مجموع	تعداد	۲۲	۱۳۰	۳۴۶	۱۷۷	۲۱	ـــ	۲/۹	۰/۸۳	۶۹۶
	درصد	۳/۲	۱۸/۷	۴۹/۷	۲۵/۴	۳/۰	ـــ	۳/۰	ـــ	۱۰۰

نتایج فرضیه‌های پژوهش

همان‌گونه که در جدول(۶)مشاهده می‌گردد، بین شاخص سرمایهٔ اجتماعی با نابرابری‌هـای اجتماعی رابطهٔ معنی‌دار و معکوسی وجود دارد. یعنی هـر چـه سـرمایهٔ اجتمـاعی در بـین شهروندان افزایش یابد از میزان نابرابری‌های اجتماعی کاسته می‌شود. چنان چه از داده‌های این جدول به دست می‌آید میزان همبستگی شاخص سـرمایهٔ اجتمـاعی بـا نـابرابری‌هـای اجتماعی برابر با (r = −۰/۱۰۵++) می‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

جدول ۶- رابطهٔ بین سرمایهٔ اجتماعی و نابرابری اجتماعی

متغیر	میزان همبستگی (r)	معناداری (SIG)
نابرابری اجتماعی	-۰/۱۰۵	۰/۰۱

چنان چه در جدول(۷) مشاهده می‌گردد، شاخص ارضاء نیاز با نابرابری‌های اجتماعی رابطهٔ معنی‌دار و معکوس دارد.یعنی هر چه میزان ارضاء نیاز در بین شهروندان افزایش یابد از میزان نابرابری اجتماعی کاسته می‌شود. چنان چه از داده‌های این جدول به دست می‌آید میزان همبستگی شاخص ارضاء نیاز با نابرابری اجتماعی برابر با (r = -۰/۲۷۶++) می‌باشد.

هم چنین مشاهده می‌شود، بین شاخص ارزش‌های مادی و نابرابری اجتماعی رابطهٔ معنی‌دار و مستقیم وجود دارد. یعنی هر چه ارزش‌های مادی در بین شهروندان افزایش یابد بر نابرابری اجتماعی نیز افزوده می‌شود. داده‌های جدول نشان می‌دهد میزان همبستگی شاخص ارزش‌های مادی با نابرابری اجتماعی برابر (r=۰/۱۷۰++) می‌باشد.

داده‌های جدول نیز بیان‌گر آن است که شاخص عقلانیت با نابرابری اجتماعی رابطهٔ معکوس دارد. یعنی هر چه میزان عقلانیت در بین شهروندان افزایش یابد از میزان نابرابری اجتماعی آن‌ها کاسته می‌شود. چنان چه از داده‌های این جدول به دست می‌آید، میزان همبستگی عقلانیت با نابرابری اجتماعی برابر (r= -۰/۱۹۰++) می‌باشد. یکی از علل مهم نابرابری را باید در میزان آگاهی مردم جستجو نمود زیرا که با بالا رفتن میزان آگاهی مردم، درک آن‌ها از حقوقشان افزایش می‌یابد، بی‌عدالتی را نمی‌پذیرند و به انحاء مختلف برای دست‌یابی به حقوقشان می‌کوشند. از این طریق قشر متوسط گسترش و نقش آن‌ها در تصمیم‌گیری سیاسی افزایش می‌یابد در نتیجه در صورتی که سطح آگاهی و عقلانیت مردم بالا برده شود، نه فقط نابرابری می‌تواند کاهش یابد، بلکه حل برخی از مسائل دیگر جامعه، نظیر رفتارهای کورکورانهٔ هنجاری نیز امکان‌پذیر می‌گردد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

جدول ۷- رابطهٔ بین نابرابری اجتماعی و متغیرهای مؤثر بر آن

متغیرهای مؤثر بر نابرابری‌های اجتماعی	میزان همبستگی (r)	معناداری (SIG)
ارضای نیاز	-۰/۲۷۶	۰/۰۰۱
ارزش‌های مادی	۰/۱۷۰	۰/۰۰۱
عقلانیت	-۰/۱۹۰	۰/۰۰۱

تحلیل چندمتغیری داده‌ها (رگرسیون چندمتغیری)[1]

در قسمت‌های قبل، رابطهٔ متغیرها و تأثیر عوامل مؤثر (متغیرهای مستقل) بر نابرابری اجتماعی (متغیر وابسته) به صورت دوبه دو مورد بررسی قرار گرفت. اما از آن جا که رابطهٔ دوبه دوی عوامل بدون تأثیر عوامل دیگر در علوم اجتماعی و رفتاری به دلیل ماهیت موضوع آن‌ها که انسان و کنش‌های انسانی است امری تقریباً ناممکن است و اغلب متغیرهای مستقل متعددی وجود دارند که هر کدام از آن‌ها سهمی در پیش‌بینی متغیر وابسته دارند، در این قسمت به بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر نابرابری اجتماعی توأماً و یک جا می‌پردازیم. بنابراین با استفاده از رگرسیون چندمتغیری تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بررسی خواهد شد.نتایج جدول رگرسیون(۸) نشان می‌دهد ضریب همبستگی چندگانه بین نابرابری اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن ۰/۷۶۱می باشد. ضریب تعیین (R^2) مبین آن است که ۰/۶۱ از واریانس نابرابری اجتماعی توسط متغیرهای مستقل موجود در معادله رگرسیون جدول(۹) که در سطح معناداری قرار دارند، تبیین می‌شود. از بین متغیرهای موجود در جدول با توجه به سطح معناداری آمارهٔ t هر متغیر و میزان ضرایب بتا (β) به ترتیب؛ تجمل‌گرایی، سن، تحصیلات، عقلانیت، ارضاء نیاز در تبیین نابرابری اجتماعی مؤثرند.۰/۳۹ (K^2) از واریانس باقیمانده توسط سایر متغیرها تبیین می‌شود.

1- multiple regression

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

جدول ۸- رگرسیون چندمتغیری برای تبیین نابرابری اجتماعی

Sig F سطح معنی‌داری	F معادله	خطای استاندارد برآورد	Adjusted K^2 ضریب تعیین تعدیل‌شده	R^2 ضریب تعیین	Multiple R ضریب همبستگی چندگانه
۰/۰۰۰	۱۲۱/۸۶۱۵	۸۴۳/۳۷۲۴	۰/۶۰	۰/۶۱	۰/۷۶۱

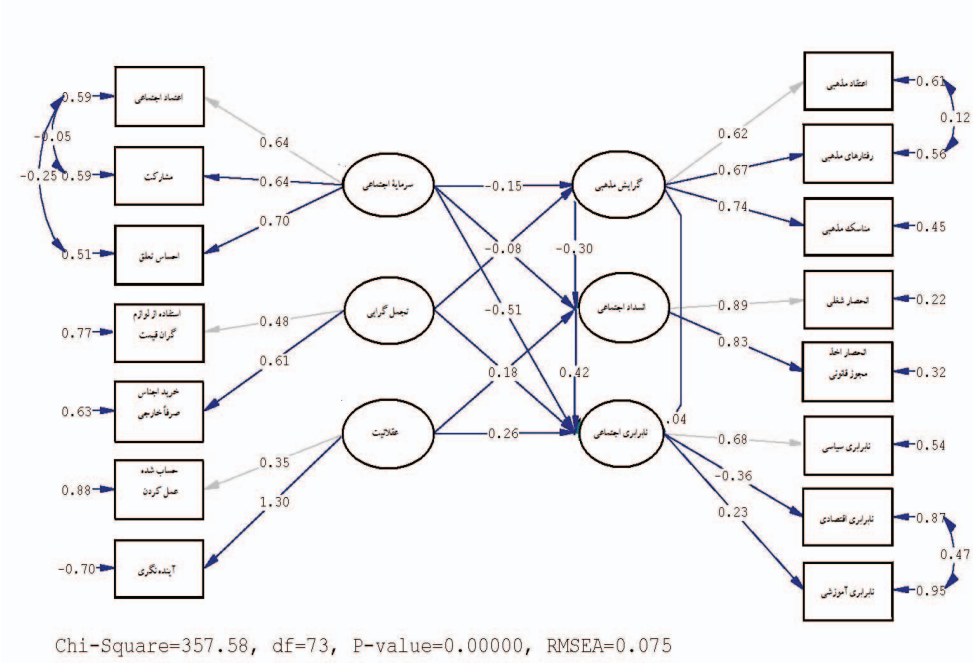
جدول ۹- میزان ضرایب معادلهٔ رگرسیون چندمتغیری نابرابری اجتماعی

شاخص آماری / زیر مؤلفه‌ها	ضرایب استاندارد بتا β	آمارهٔ t	سطح معناداری sig	تشخیص‌های هم‌خطی	
				Tolerance	VIF
(constant) عامل ثابت		-۵/۰۹۹	۰/۰۰۰		
سن	-۰/۲۴۴	۵/۸۲۴	۰/۰۰۰	۰/۶۷۱	۱/۴۹۱
تحصیلات	۰/۲۳۶	۶/۰۸۴	۰/۰۰۰	۰/۷۸۱	۱/۲۸۱
بعد خانوار	۰/۰۲۲	۰/۶۱۵	۰/۵۳۹	۰/۸۹۳	۱/۱۲۰
تعداد مسافرت‌ها	-۰/۰۱۱	-۰/۳۱۵	۰/۷۵۳	۰/۹۲۰	۱/۰۸۷
فردگرایی	۰/۰۳۴	-۰/۶۲۸	۰/۵۳۰	۰/۴۱۰	۲/۴۳۷
تجمل‌گرایی	۰/۲۴۶	۵/۷۶۳	۰/۰۰۰	۰/۶۴۶	۱/۵۴۸
انسداد اجتماعی	۰/۰۳۰	۰/۷۶۵	۰/۴۴۵	۰/۷۹۰	۱/۲۶۶
گرایش مذهبی	-۰/۰۳۲	-۰/۷۵۵	۰/۴۵۱	۰/۶۶۰	۱/۵۱۵
تبلیغات	-۰/۰۶۷	-۱/۸۱۱	۰/۰۷۱	۰/۸۶۶	۱/۱۵۵
عقلانیت	-۰/۱۸۴	۴/۴۲۲	۰/۰۰۰	۰/۶۷۹	۱/۴۷۳
اعتماد غیررسمی	۰/۰۸۶	۱/۶۱۴	۰/۱۰۷	۰/۴۱۱	۲/۴۳۵
اعتماد تعمیم‌یافته	۰/۰۴۵	۰/۸۴۲	۰/۴۰۰	۰/۴۱۴	۲/۴۱۵
مشارکت مدنی	۰/۰۶۳	-۱/۶۱۹	۰/۱۰۶	۰/۷۸۹	۱/۲۶۸
مشارکت اجتماعی	-۰/۰۰۵	-۰/۱۱۴	۰/۹۰۹	۰/۵۸۷	۱/۷۰۵
احساس تعلق	-۰/۰۲۹	-۰/۶۵۷	۰/۵۱۲	۰/۵۹۴	۱/۶۸۳
ارزش‌های مادی	۰/۰۳۴	۰/۷۵۶	۰/۴۵۰	۰/۵۷۰	۱/۷۵۴
ارضاء نیاز	۰/۱۵۷	۳/۸۹۰	۰/۰۰۰	۰/۷۲۵	۱/۳۷۹
اعتماد رسمی	-۰/۰۳۶	-۰/۵۶۴	۰/۵۷۳	۰/۲۸۶	۳/۴۹۸

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

الگوسازی معادلات ساختاری

در این قسمت به آزمون اعتبار سازه ای(وسیلهٔ اندازه گیری) و آزمون نیکویی برازش ساختار مورد نظر با استفاده از نرم افزار لیسرل با در اختیار داشتن داده‌های مربوط به متغیرهای برگرفته شده از فرضیه‌ها پرداخته شد(قاسمی، ۱۳۸۷)پس از اجرای برنامه و انجام تغییرات لازم، مدل برازش شدهٔ فرضیه‌ها و روابط عنوان شده در تحقیق به شرح زیر نمایان گردید.



مدل ساختاری نابرابری اجتماعی

مدل ساختاری نابرابری اجتماعی به آزمون اعتبار سازه‌ای وسیلهٔ اندازه‌گیری نابرابری اجتماعی وآزمون نیکویی برازش ساختار آن پرداخته است. در بخش اندازه‌گیری هم چنان که از مدل

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

برمی‌آید بیش‌تر معرف‌های متغیرهای مکنون به طور نسبتاً مناسب روی آن‌ها بار شده‌اند و البته متغیرهایی که بار گویهٔ پایینی داشته‌اند از معادله خارج شده‌اند. بخش ساختاری مدل نیز حاکی از آن است که متغیرهای سرمایهٔ اجتماعی(۵۱/-) و انسداداجتماعی(۴۲/) بیش‌ترین مقدار واریانس نابرابری اجتماعی را تبیین کرده‌اند.

شاخص‌های مدل، آزمون نیکویی برازش ساختار نظری مطرح شده با داده‌های مشاهده شده و اعتبار سازه‌ای وسیلهٔ اندازه‌گیری مورد بحث را نشان می‌دهد. ازآن جا که معیارهای GFI = ۹۴/ و AGFI= ۸۹/ نزدیک به یک می‌باشند، حاکی از برازش نسبتاً زیاد مدل و معیار RMSEA= ۰۷۵/، حاکی از عمل کرد ضعیف باقیمانده‌ها در مدل است. (البته از آن جا که آمارهٔ χ^2 کاملاً تحت تأثیر حجم نمونهٔ مورد مطالعه می‌باشد و حجم نمونه در این تحقیق زیاد است، معناداری یا عدم معناداری χ^2 ملاک مناسبی برای قضاوت در مورد مدل نمی‌باشد.)همان گونه که ازضرایب γ β مدل مشاهده می‌شود متغیرسرمایهٔ اجتماعی بیش‌ترین تأثیررا بر متغیر نابرابری اجتماعی دارد(۵۱/- =γ)، یعنی هرچقدر سرمایهٔ اجتماعی یک جامعه افزایش یابد از نابرابری اجتماعی درآن جامعه کاسته می‌شود. هم چنین هرچقدر میزان انسداد اجتماعی در جامعه زیاد شود بر نابرابری اجتماعی درآن جامعه افزوده می‌گردد(۴۲/ = β).

خلاصه و نتیجه‌گیری

براساس اهداف تحقیق، دیدگاه‌های نظری و پیشینهٔ تجربی و تأثیرگذاری عواملی نظیر سرمایهٔ اجتماعی، انسداد اجتماعی، تجمل‌گرایی، ارزش‌های مادی، عقلانیت و گرایش‌های مذهبی و فردگرایی بر تعیین میزان نابرابری‌های اجتماعی افراد ارائه شد. تلاش پژوهش‌گر همواره بر این بوده است که کلیهٔ مباحث نظری و تجربی تحقیق در راستای پاسخ‌گویی به سئوالات و دست یابی به اهداف تحقیق باشد و از ذکر مطالب حاشیه‌ای تا حد امکان خودداری گردد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

خلاصه و مهم‌ترین نتایج تجربی حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده در تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:

ـ اطلاعات به دست آمده در مجموع حاکی از متوسط بودن(۲/۹)سرمایهٔ اجتماعی پاسخ‌گویان می‌باشد. با این حال می‌توان گفت شدت سرمایه اجتماعی در ابعاد اعتماد (اعتماد رسمی، غیررسمی، تعمیم‌یافته) نسبت به احساس تعلق و مشارکت (مدنی و اجتماعی) اندکی بالاتر است. به گونه‌ای که میزان اعتماد در بین پاسخ‌گویان در حد متوسط می‌باشد، و حال آن که میزان احساس تعلق و میزان مشارکت در بین آن‌ها در حد پایین قرار دارد. از این پیمایش چنین به دست می‌آید که شدت سرمایهٔ اجتماعی بر تعیین میزان نابرابری‌های اجتماعی مؤثر است. از سه بعد مورد مطالعهٔ سرمایهٔ اجتماعی به ترتیب احساس تعلق، اعتماد اجتماعی و مشارکت دارای بیش‌ترین تأثیرگذاری بر نابرابری اجتماعی است. همچنین نتایج پژوهش بیان‌گرمتوسط بودن(۲/۷) نابرابری اجتماعی در بین پاسخ‌گویان است.

از بررسی فرضیه‌ها چنین بر می‌آید که رابطه‌ای علی معکوس بین ارضاء نیاز به عنوان متغیر مستقل و نابرابری اجتماعی به عنوان متغیر وابسته وجود دارد، چنان چه نتایج پژوهش حاضر دیدگاه‌های هگل (۱۹۸۱) و گهلن (۱۹۶۴) را تأیید می‌کند. هگل و گهلن رابطهٔ بین نیاز به احترام و نابرابری اجتماعی را همچون مازلو بررسی نمودند. نیاز به احترام، منزلت و عزت نفس موجب می‌شود که انسان‌ها از توهین و توبیخ ناراحت وا ز تشویق خوشحال شوند. آن‌ها معتقدند نیاز به احترام براساس مقیاس‌های ارزشی موجود در جامعه ارضاء می‌شود. لذا اگر ارزش‌های یک جامعه از جانب مادی به طرف معنوی تغییر کند، انسان‌ها برای کسب تأیید و احترام به آن سو می‌روند و اگر ارزش‌ها به سوی مادیات تغییر کند، به همان گونه انسان‌ها نیاز به احترام و تأیید خود را در کالاهای مادی و تجملات جستجو می‌نمایند. در این فرایند افرادی که دارای کالاهای مادی و امکانات بیش‌تری هستند در چنین جامعه‌ای از احترام بیش‌تری برخوردارند و فاقد این امکانات از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

احترام کم‌تری برخوردارند و بدین گونه زمینه‌های نـابرابری اجتمـاعی بـین ایـن دو قـشر فراهم می‌شود.

و بین شاخص ارزش‌های مادی و نابرابری اجتماعی رابطهٔ معنـی‌دار و مـستقیم وجـود دارد. نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر، نظرات لواگلیا و هاوزر (۱۹۹۶) رادر این زمینـه تأیید می‌کند، مثلاً وقتی از یک طرف مردم بـا ابـزار مـادی نظیـر بـالا بـردن قیمـت دلار و افزایش تورم، بالا بردن قیمت مدارس و... در فشار اقتصادی قرار گرفتند، و از طرف دیگـر با انواع تبلیغات در آن‌ها نیازهای مادی به وجود آمد، پول و ثـروت بـرای آن‌هـا بـا ارزش می‌شود و همراه با آن نیز چنان که لواگلیا و هاوزر نیز در آزمایش خود به دسـت آوردنـد. «درجهٔ پایگاه» دارندگان این کالا، یعنی ثروتمندان با ارزش می‌شود که مـی‌تواننـد بـا پـول گزاف خود، مردم محتاج و درمانـده را بـه هـر کـاری وا دارنـد و نظـام ارزشـی آن‌هـا را تحت‌تأثیر قرار دهند ونابرابری‌های اجتماعی را دامن بزنند. عقلانیت نیزیکـی از متغیرهـای تأثیرگذار بر میزان نابرابری اجتماعی پاسخ‌گویان است و رابطهٔ آن معکوس می‌باشد، یعنـی هرچه عقلانیت در بین شهروندان افزایش یابد میزان نـابرابری اجتمـاعی کـاهش مـی‌یابـد. میزان عقلانیت در بین پاسخ‌گویان مطالعـهٔ تجربـی حاضـر، تأییـد کننـدهٔ نظریـات (مـولر (۱۹۹۵)، روشه مایرولیپست (۱۹۵۹)در این رابطه اسـت ومیـزان عقلانیـت را در کـاهش و افزایش نابرابری‌های اجتماعی مؤثر می‌داند.این رابطه حاکی از آن است که هـر چـه میـزان عقلانیت و آگاهی افراد بالا برود درک آن‌ها از حقوقشان نیز افزایش مـی‌یابـد و در نتیجـه مـشارکت فزونـی گرفتـه، دموکراسـی بـه تبـع آن گـسترش مـی‌یابـد و نقـش آن‌هـا در تصمیم‌گیری‌های سیاسی پررنگ‌تر می‌شود. در نتیجه قشر متوسط افزایش و نـابرابری‌هـای اجتماعی کاهش پیدا می‌کند.

– براساس نتایج به دست آمـده میـزان انـسداد اجتمـاعی، نـابرابری سیاسـی، عقلانیـت و تجمل‌گرایی، اعتماد غیررسمی در بین پاسخ‌گویان طبقهٔ سه بیش‌تر بوده است. در حالی که میزان مشارکت مدنی در بین پاسخ‌گویان این طبقه به صورت قابل ملاحظه‌ای کم‌تر از سایر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

طبقات می‌باشد. بدیهی است مهیا بودن شرایط برای انسداد اجتماعی در بین آن‌ها (انحصاری نمودن امکانات برای خود)، همچنین حرص و ولع داشتن در مال‌اندوزی و تحکیم حس برتری‌خواهی، آن‌ها را به تجمل‌گرایی بیش‌تر سوق می‌دهد و در اثر فشارهای اقتصادی حاکم بر این طبقه که ناشی از نیازهای کاذب است مشارکت مدنی در بین آن‌ها کاهش می‌یابد. در بین پاسخ‌گویان طبقهٔ دو، میزان احساس تعلق و مشارکت بیش‌تر از سایر طبقات می‌باشد و این درحالی است که میزان فردگرایی و ارزش‌های مادی در بین آن‌ها کم‌تر از سایر طبقات است. بنابراین هرچه میزان سرمایهٔ اجتماعی بالاتر باشد از میزان فردگرایی کاسته شده و ارزش‌های فرامادی رواج بیش‌تری می‌یابد.هم چنین نتایج نشان‌دهندهٔ آن است که میزان نابرابری اجتماعی، گرایش‌های مذهبی، تأثیرپذیری از تبلیغات در بین افراد طبقهٔ یک بالاتر از سایر طبقات است. در صورتی که احساس تعلق، مشارکت اجتماعی و ارضاء نیاز در این طبقه در سطح پایین‌تری از سایر طبقات قرار دارد. عدم داشتن قدرت خرید، پایین بودن سطح آگاهی، گرایش‌های تقدیرگرایانه و سنتی افراطی و تأثیرپذیری از تبلیغات؛ نابرابری اجتماعی را درآن‌ها افزایش و آن‌ها را در ارضاء نیاز خود با مشکل مواجه می‌کند.

با در نظر گرفتن یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان پیشنهادات زیر را مطرح نمود:

۱ـ تلاش مسئولان برای کاهش فقر و نابرابری اجتماعی

۲ـ تقویت سرمایهٔ اجتماعی در چارچوب تقویت مشارکت، افزایش اعتماد، تقویت حس تعلق و فرهنگ شهروندی

۳ـ ایجاد زمینه‌های برابر برای ارضاء نیاز شهروندان

۴ـ کاهش تجمل‌گرایی در جامعه از طریق آگاهی و ارا ئهٔ الگوهای صحیح مصرف

۵ـ نظارت و هدایت صحیح رسانه‌های جمعی جهت کاهش اثر منفی تبلیغات

۶ـ توجه مسئولان به نقش مذهب در ایجاد ارزش‌های فرامادی در جامعه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

۷ـ افزایش سطح عقلانیت و آگاهی افراد جامعه
۸ـ گسترش فرهنگ عام‌گرایی
۹ـ بسط ارزش‌های فرامادی
۱۰ـ تسهیل دست‌رسی افراد به منابع و فرصت‌ها جهت ایجاد عدالت و برابری

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

منابع و مآخذ

References

ـ ادیبی، ح.(۱۳۵۴). **جامعه‌شناسی طبقات**. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.

ـ انصاری، ا. (۱۳۷۸). **نظریه‌های قشربندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران**. اصفهان: نشر غزل.

– برادران شرکاء، ح. (۱۳۸۴). **رانت نفتی**. روزنامه ایران، سال یازدهم، شمارهٔ ۳۲۶۸.

– بیرو، آ.(۱۳۸۰).**فرهنگ علوم اجتماعی**.(ترجمه ساروخانی).تهران: سازمان انتشارات کیهان.

ـ تاجبخش، ک. (۱۳۸۴). **سرمایه اجتماعی** (ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان). شیراز.

ـ توسلی، غ. (۱۳۷۴). **نظریه‌های جامعه‌شناسی**. تهران: انتشارات لیلی.

ـ چلبی، م. (۱۳۷۵). **جامعه‌شناسی نظم**. تهران: نشر نی.

ـ چلبی و اکبری، (۱۳۸۳). **تحلیل چندسطحی انزوا**. مجله جامعه‌شناسی ایران، دورهٔ پنجم، شمارهٔ ۲.

ـ دورکیم، ا. (۱۳۶۹). **تقسیم کار اجتماعی** (ترجمهٔ باقر پرهام). تهران: کتاب سرای بابل.

ـ رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۲). **سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی**. پژوهشی در سه استان اصفهان.

ـ ربانی، ر. (۱۳۸۵).**جامعه‌شناسی قشرهاونابرابریهای اجتماعی**.اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

ـ زاهدی، م. (۱۳۸۵). **توسعه و نابرابری**. تهران: نشر مازیار، چاپ دوم.

ـ فوکویاما، ف. (۱۳۷۹). **پایان نظم سرمایهٔ اجتماعی و حفظ آن** (ترجمه غلامعباس توسلی). تهران: جامعه ایرانیان.

– قاسمی، و. (۱۳۸۷)**مقدمه‌ای بر الگوسازی و معادلات ساختاری**.تهران: انتشارات جامعه شناسان.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

منابع و مآخذ References

- قانعی‌راد، م و حسینی، ف. (۱۳۸۴). **ارزش‌ها، شبکه روابط، مشارکت**. مجله جامعه‌شناسی ایران، دورهٔ ششم، شمارهٔ ۳.
- کلمن، ج. (۱۳۷۷). **بنیادهای نظریه اجتماعی** (برگردان منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.
- گرب، ا. (۱۳۷۳). **نابرابری اجتماعی دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر** (مترجمان: محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی‌زاد). تهران: نشر معاصر.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۴). **جامعه‌شناسی** (ترجمه منوچهر صبوری). تهران: انتشارات نی.
- ملک، ح. (۱۳۷۴). **جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی**. دانشگاه پیام نور.
- معین، م.(۱۳۶۳).**فرهنگ فارسی**.تهران: مؤسسه انتشارات کبیر.
- مهاجری، ب. (۱۳۸۴). **رؤیای طبقه فرودست**. روزنامهٔ ایران. سال دوازدهم، شمارهٔ ۳۴۱۸.
- نامه فرهنگ. (۱۳۷۱). **منشأ نابرابری اجتماعی** (ترجمهٔ ح. قاضیان). شمارهٔ ۳ سال ۲.
- وبر، م. ۱۳۶۷، **مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی** (ترجمهٔ احمد صدارتی). تهران: نشر مرکز.
- هادی زنور، ب. (۱۳۸۵). فقر و نابرابری درآمد در ایران. **فصلنامهٔ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال چهارم، شمارهٔ ۱۷.
- Australian Bureau of statistics. (2003). **ABS draft social capital indicators for discussion at workshop**, Wednesday 4 june.
- Burt, R(2000). **A primer on crime and Delinquency Theory second Edition**, wads worth.
- Dekker, p and Ericm, u (2001). **Social capital and participation in every life.**
- Firebaugh, G (2003). **The New Geography of Global Income Inequality**. Cambridge&London: HarvardUniversity Press.
- Huntington.S.p & y. m.Nelson. (1976). No **Easy choice political participation.**

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

References

منابع و مآخذ

- Loury G .(1985.(New dividends through.**social capital** .Black Enterprise.
- Huntington, S. P. & J. M. Nelson, (1976). No Easy Choice; **Political participation inDeveloping countries,** Cambridge: Harvard uni. press.
- Putnam. R. D. (1995). Bowling alone: **American's decline social capital an interview with putname.** pp. 65-78.
- Putnam. R. D(2000). **Bowling Alone the collapse and Review of American community**. Simon and Schuster, New York.
- Robbins, S. P(2001). "Organizational Behavior**"**, New Dehli. Prentice Hall, Inc- Tilly, Chris and Randy Albelda (1995), 'Not Markets Alone: Enriching the Discussion of Income Distribution,' in Robert Heilbronn and Charles Whalen, Eds., **Political Economy For the Next Century**, M. E. Sharpe, Armonk, NY.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]